

روایت فلسفی
ساختارگرایی و پساساختارگرایی

نویسندگان:

دکتر مهدی خبازی کناری و دکتر صفاسبطی

انتشارات
سیاه‌رود

فهرست

مقدمه	۷
فصل اول: ساختار گرای	۹
نسبت ساختار گرای با معرفت شناسی	۱۰
اندیشه به مثابه ساختار	۱۱
نسبت ساختار گرای با ذات گرای و سوپرتیویسم	۱۲
ساختار گرای به مثابه مفهوم در تاریخ اندیشه	۱۵
اشتراک و افتراق جریان ساختار گرای با سایر جریان های پیشین	۱۷
استلزامات و دلایل ساختار	۱۹
فصل دوم: ساختار گرای و زبان شناسی	۳۱
زبان شناسی همزمانی در مقابل زبان شناسی در زمانی	۳۴
ابژه های اصلی زبان شناسی همزمانی	۳۸
ساختار گرای و زبان شناسی	۴۱
ساختار گرای در ادبیات	۴۲
زبان؛ کانون توجه فیلسوفان در قرن بیستم	۴۶
فصل سوم: پسا ساختار گرای	۵۱
ساختار گرای و بحران معرفت شناسی	۵۱

پساساختار گرایان	۵۷
دریدا و ساختارزدایی	۵۹
اشتراک و افتراق ساختارگرایی و ساختارزدایی	۹۱
منابع	۹۳

www.ketab.ir

مقدمه

ساختارگرایی و پساساختارگرایی دو رویکرد تأثیرگذار در قرن بیستم بودند که در حوزه‌های گوناگون فلسفی و غیرفلسفی مورد تأمل و بحث جدی و همه‌جانبه قرار گرفتند. گرچه در آغاز ساختارگرایی توسط سوسور در زبان‌شناسی مطرح شد، اما با گذشت اندک زمانی به مثابه روشی عام در رشته‌های دیگر عرصه انسانی و حتی علوم دقیقه به کار گرفته شد. علت این امر به امکان‌های بسیاری مربوط می‌شد که در ساختارگرایی به مثابه یک رویکرد وجد داشت. یکی از بنیادی‌ترین این امکان‌ها وجوه شناخت‌شناسانه‌ای بود که در ساختارگرایی وجود داشت. نگاه ساختارگرایان به شناخت‌شناسی می‌توانست بسیار از بال‌های تاریخی موجود در آن را مرتفع سازد. این انگیزه‌ای بود برای اندیشمندان نیمه‌ی اول قرن بیستم که رویکرد ساختارگرایی را به انحاء مختلف در تمامی گوناگون بسط دهند. اما دستاوردهای آن باعث شد که این رویکرد، مورد بحث جدی قرار گیرد. در نیمه‌ی دوم قرن، طیف گسترده‌ای از فیلسوفان، جامعه‌شناسان، روان‌شناسان و اندیشمندان حوزه‌های دیگر رویکرد عام پساساختارگرایی را مطرح کردند. پساساختارگرایی در این جهت به شکل‌های مختلف و تحت عناوین و مفاهیم متکثر ظهور پیدا کرد.

هر یک از این اندیشمندان به تناسب حوزه‌ی مورد تأمل‌شان، نگاهی منتقدانه و مختص خود به ساختارگرایی داشتند و به تبع آن، تأویل و تفسیر

ویژه‌ای از پساساختارگرایی ارائه دادند. همین مسأله پرسش‌های زیادی را پیش کشیده است، از جمله این که نسبت ساختارگرایی و پساساختارگرایی چیست، آیا پساساختارگرایی به تمامی در مقابل و ضد ساختارگرایی است یا سنت ایجابی و همراهانه با آن دارد، و یا در یک وضعیت پیچیده و دیالکتیکی. روجوه ایجابی و سلبی با یکدیگر قرار دارند. در این راستا، ما بر آن شدیم که دو رویکرد مهم ساختارگرایی و پساساختارگرایی را در کنار هم مورد بررسی قرار دهیم. مسأله‌ی دیگر این کتاب بررسی بنیادهای فلسفی این دو رویکرد است؛ سری که بسیار به آن پرداخته شده است. در این کتاب، بنیادهای شناخت‌شناسی این دو رویکرد مورد تأمل قرار می‌گیرند.

در اینجا لازم می‌دانیم که گروهی همکاران انتشارات وزین سیاه‌رود مراتب قدردانی خود را ابراز کنند. نهایت از دوست و همکار زبان‌شناس، اندیشمند و گرانمایه، جناب دکتر مویخت که در تمامی مراحل تکوین کتاب رهنمودهای ارزنده‌ای ارائه کردند و به بهرین نحو شرایط نشر این کتاب را فراهم نمودند، صمیمانه سپاسگزار ایم.